
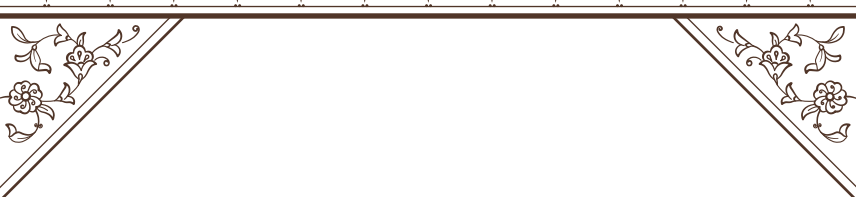




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





قَالَ مَوْلَانَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ:
«الْإِمَامُ وَاحِدٌ دَهْرِهِ، لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَلَا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ
وَلَا يُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَلَا لَهُ مِثْلٌ وَلَا نَظِيرٌ...»

«امام یگانه روزگار خویش است؛ هیچ کس به منزلت او نمی‌رسد
و هیچ دانشمندی با او برابری نمی‌کند و هرگز جایگزینی برای او
(جز امام دیگر) یافت نمی‌شود و مقام امامت همتا ندارد...»

(الكافي ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۱۹۹





جلد سوم
بر حدیث پنهانی و عرفانی

دلایب و اسرار

از منظر استرالیان

محدثی فیاض بخش ❁ فرید محسنی



سرشناسه: فیاض بخش، محمدتقی، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور: ولایت و امامت از منظر عقل و نقل /
محمدتقی فیاض بخش، فرید محسنی.
مشخصات نشر: تهران: فیض فرزانه، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۶ ج.
شابک:

دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۹۵-۱-۸

ج. ۱: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۹۵-۱-۱

ج. ۲: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۹۵-۲-۵

ج. ۳: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۹۵-۳-۲

ج. ۴: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۲۱-۱-۶

ج. ۵: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۲۱-۱-۳

ج. ۶: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۲۱-۲-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتاب حاضر با همین عنوان در شش جلد توسط
انتشارات فردا در سال ۱۳۹۷ فیبا دریافت کرده است.
یادداشت: کتابنامه.
مندرجات:

۱. ج. ۱. براهین عقلی.
۲. ج. ۲. براهین اجتماعی.
۳. ج. ۳. براهین فلسفی و عرفانی.
۴. ج. ۴. براهین قرآنی ۱.
۵. ج. ۵. براهین قرآنی ۲.
۶. ج. ۶. براهین قرآنی ۳.

موضوع: ولایت
موضوع: Sainthood*

موضوع: امامت

موضوع: Imamate

موضوع: ولایت -- جنبه های قرآنی

موضوع: Sainthood -- Qur'anic teaching*

موضوع: امامت -- جنبه های قرآنی

موضوع: Imamate -- Qur'anic teaching

شناسه افزوده: محسنی، فرید، ۱۳۴۴ -

شناسه افزوده: موسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی علیه السلام
رده بندی کنگره: BP۲۳۳/۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۳۲۵۷۳

مؤسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی علیه السلام
تلفن: ۰۹۰۳۳۹۸۷۹۹۰، (۰۲۱) ۳۳۹۸۷۹۹۰

سایت: www.jelveh.org



عنوان کتاب: ولایت و امامت از منظر عقل و نقل

(جلد سوم: براهین فلسفی و عرفانی)

مؤلفان: محمدتقی فیاض بخش، فرید محسنی

ویراستاری: محمدعلی فیاض بخش

بازبینی منابع: سعید خیابانی

ناشر: انتشارات فیض فرزانه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

مرکز پخش: ۰۹۱۲۷۹۷۴۷۵۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۹۵-۳-۲

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۹۵-۱-۸

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به
مؤسسه جلوه نور علوی علیه السلام است.



براهین شش جلد در یک نگاه

جلد اول - براهین کلامی

مقدمه

کلیاتی دربارهٔ امامت عامه

برهان اول ♦ امام؛ لطف الهی

برهان دوم ♦ امام؛ مبین دین

برهان سوم ♦ امام؛ مظهر ولایت

جلد دوم - براهین اجتماعی

برهان چهارم ♦ امام؛ حاکم الهی

برهان پنجم ♦ امام؛ امین الهی

برهان ششم ♦ امام؛ راهنمای عقول

برهان هفتم ♦ امام؛ هادی به عالم ملکوت

برهان هشتم ♦ امام؛ هادی به مقام مخلصین

جلد سوم - براهین فلسفی و عرفانی

برهان نهم ♦ امام؛ پاسخ به سعادت طلبی انسان

برهان دهم ♦ امام؛ واسطه فیض الهی

برهان یازدهم ♦ امام؛ غایت از آفرینش

برهان دوازدهم ♦ امام؛ اشرف نوع انسانی

جلد چهارم - براهین قرآنی (۱)

مقدمه

برهان اول ♦ آیهٔ ولایت

برهان دوم ♦ آیهٔ امامت

برهان سوم ♦ آیهٔ خلافت

برهان چهارم ♦ آیهٔ تبلیغ

برهان پنجم ♦ آیهٔ اولی الامر

برهان ششم ♦ آیات هدایت

برهان هفتم ♦ آیهٔ اکمال

برهان هشتم ♦ آیهٔ نور

برهان نهم ♦ سورهٔ قدر

برهان دهم ♦ آیهٔ صراط المستقیم

برهان یازدهم ♦ آیهٔ شفاعت

برهان دوازدهم ♦ آیهٔ شهادت

جلد پنجم - براهین قرآنی (۲)

برهان سیزدهم ♦ آیهٔ اجتناب

برهان چهاردهم ♦ آیهٔ رؤیت اعمال

برهان پانزدهم ♦ آیهٔ جبل الله

برهان شانزدهم ♦ آیه سلام

برهان هیفدهم ♦ آیه علم الكتاب

برهان هجدهم ♦ آیه تأویل

برهان نوزدهم ♦ آیه تعلیم کتاب و حکمت

برهان بیستم ♦ آیه وارثان کتاب

برهان بیست و یکم ♦ آیه حفظ امانت

برهان بیست و دوم ♦ آیه رد الامور

برهان بیست و سوم ♦ آیه نعیم

برهان بیست و چهارم ♦ آیه مودت

جلد ششم - براهین قرآنی (۳)

برهان بیست و پنجم ♦ آیه مباحله

برهان بیست و ششم ♦ آیه بینه

برهان بیست و هفتم ♦ آیه تطهیر

برهان بیست و هشتم ♦ آیه تزکیه

برهان بیست و نهم ♦ آیه اهل الذکر

برهان سی ام ♦ آیه صادقین

برهان سی و یکم ♦ آیه بیت الله الحرام

برهان سی و دوم ♦ آیه ملک عظیم

برهان سی و سوم ♦ آیه امریه معروف

برهان سی و چهارم ♦ آیه صلۀ رحم

برهان سی و پنجم ♦ آیه استقامت

برهان سی و ششم ♦ آیه اقامۀ وجه

برهان سی و هفتم ♦ آیه تکریم والدین

برهان سی و هشتم ♦ آیه بصیرت

برهان سی و نهم ♦ آیه سفیران الهی

برهان چهلم ♦ آیه نفر

سخن آخر

فهرست اجمالی جلد سوم

برهان نهم: امام؛ پاسخ به سعادت طلبی انسان

۱۳	خلاصه بیان
۱۸	فصل اول- (بیان اول): سیر عقلی برهان در قرآن
۳۱	فصل دوم- (بیان دوم): تقریر کلامی برهان
۴۹	فصل سوم- (بیان سوم): تقریر فلسفی برهان
۶۵	فصل چهارم- (بیان چهارم): فقر و غنا در عرفان
۷۷	فصل پنجم- (بیان پنجم): رابطه معرفت به فقر با مراتب عبودیت
۸۹	فصل ششم- (بیان ششم): رابطه دعا و نیایش و ضرورت وجود هادیان الهی
۱۰۱	فصل هفتم- مبانی نقلی برهان
۱۲۱	جمع بندی و نتیجه گیری

برهان دهم: امام؛ واسطه فیض

۱۲۷	خلاصه بیان
۱۳۰	فصل اول- معنای «فیض» و «صادر اول» در لغت و اصطلاح
۱۳۹	فصل دوم- (بیان اول): تبیین برهان بر اساس حکمت مشاء
۱۴۵	فصل سوم- (بیان دوم): تبیین برهان از دیدگاه حکمت اشراق
۱۵۱	فصل چهارم- (بیان سوم): تبیین برهان از دیدگاه حکمت متعالیه
۱۶۷	فصل پنجم- (بیان چهارم): تبیین برهان از دیدگاه عرفان
۱۸۳	فصل ششم- مبانی نقلی برهان

فصل هفتم - پاسخ به برخی از شبهات در زمینه مقام نوری و واسطه فیض بودن اهل بیت علیهم السلام ۲۰۳
جمع بندی و نتیجه گیری ۲۰۹

برهان یازدهم: امام؛ غایت از آفرینش

خلاصه بیان ۲۱۵
فصل اول - فلسفه خلقت از منظر کلام اسلامی (دیدگاه اشاعره و شیعه) ۲۱۸
فصل دوم - فلسفه خلقت در حکمت مشاء ۲۲۳
فصل سوم - فلسفه خلقت در حکمت اشراق ۲۳۷
فصل چهارم - فلسفه خلقت در عرفان ۲۴۳
فصل پنجم - فلسفه خلقت در حکمت متعالیه ۲۷۵
فصل ششم - مبانی نقلی برهان ۲۹۹
جمع بندی و نتیجه گیری ۳۰۵

برهان دوازدهم: امام؛ اشرف نوع انسانی

خلاصه بیان ۳۱۱
فصل اول - تبیین قاعده ۳۱۴
فصل دوم - جریان قاعده در اثبات امامت عامه و پاسخ به برخی شبهات ۳۱۷
فصل سوم - انبیاء و اولیاء الهی علیهم السلام؛ خلفای پروردگار در همه عوالم ۳۲۹
فصل چهارم - مبانی نقلی برهان ۳۳۳
جمع بندی و نتیجه گیری ۳۴۵
سخن پایانی ۳۴۷

فهرست ها

فهرست تفصیلی ۳۶۹
فهرست منابع ۳۷۷

برهان نهم

امام؛ پاسخ به سعادت طلبی انسان



❖ (بیان اول): سیر عقلی برهان در قرآن

مفاهیم قرآنی «غیب» و «فلاح» / (تبیین اول): سعادت حقیقی، فقط در رجوع به عالمان غیب / (تبیین دوم): سعادت حقیقی، در سایه رجوع به خداوند و فقط از طریق هادیان الهی علیهم السلام / (تبیین سوم): سعادت حقیقی، در گروتزکیه نفس و فقط از طریق هادیان الهی علیهم السلام / (تبیین چهارم): کمال حقیقی انسان، ثقل میزان در قیامت / جمع بندی استدلال اول

❖ (بیان دوم): تقریر کلامی برهان

ضرورت تأمین نیازهای انسان در ابعاد مادی و معنوی / نیاز به امام، پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله

❖ (بیان سوم): تقریر فلسفی برهان

فقرو غنا در حکمت مشاء / فقرو غنا در حکمت اشراق / فقرو غنا در حکمت متعالیه

❖ (بیان چهارم): فقرو غنا در عرفان

مراتب تعینات در عرفان / اعیان ثابته / شیوه ابراز فقرو نیاز در عرفان / مقام خلیفه الله (پیامبر و امام) در میان اسماء / نتیجه گیری رابطه فقرو غنا در عرفان

❖ (بیان پنجم): رابطه معرفت به فقرا مراتب عبودیت

معنای عبودیت و انواع آن / رابطه بین فقرو علم بر آن، با عبودیت / امام؛ افقرو اغنای خلیق در عالم / نتیجه گیری بیان پنجم

❖ (بیان ششم): رابطه دعا و نیایش و ضرورت وجود هادیان الهی

عبادت؛ هدف از خلقت انسان / دعا و نیایش؛ باطن عبادت / رابطه دعا و ضرورت وجود امام /

نتایج بیان ششم

❖ مبانی نقلی برهان

مبانی قرآنی / مبانی روایی



در این برهان، موضوع ضرورت وجود هادی الهی در همه زمان‌ها و نیز بحث انحصار هدایت از طریق ایشان، از منظر فقر و نیازمندی فطری انسان‌ها به کمال مطلق، تحلیل می‌شود. به این ترتیب که عالم امکان، به واسطه مخلوق بودنش، سراسر فقر و نیاز به بارگاه الهی است. در این میان، انسان از دو جهت نیازمند عنایت خداوند است: اول، از بُعد تکوینی، که مانند سایر موجودات زمینی و آسمانی، دائماً دست نیاز و فقر به سوی خالق بی‌نیاز دراز می‌کند و تکمیل حرکت در مسیر کمال و استقرار در صراط الهی را استمداد می‌کند؛ دوم، از بُعد تشریحی، که کمال معنوی او را به دنبال دارد و حقیقت انسانی او در گرو تحقق آن است و در این زمینه نیز نیازمند عنایات ویژه ربّانی است. اگر انسان در بُعد مادی، می‌تواند به مدد عقل و علوم رسمی، گام‌های لرزانی به سوی رفع نیازهای خود بردارد، در امور معنوی، از آنجا که راه به سوی عالم غیب و طلب کمال، با مجهولات زیادی همراه است، به ناچار باید از خداوند درخواست کند تا او را از فقر و ظلمت جهل برهاند.

۱- ﴿إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (هود، ۵۶).

از سوی دیگر، خداوند، بنا بر رحمت و وسعت و حکمت بالغه اش^۱، درخواست بندگان خود را هرگز بی جواب نمی گذارد. مضافاً بر آنکه در نصوص فراوان دینی، خدای متعال بر خود لازم نموده که سؤال بندگان را اجابت بنماید؛ تا به آنجا که حتی دعا و ابراز نیاز آنان را، قبل از آنکه بر زبان جاری سازند، به لطف و رحمتش پاسخ می دهد.^۲

بنابراین، دائماً از سوی بندگان، استغاثه و نیاز است و از جانب خداوند، جود و رحمت. لازمه این دو، آن است که همیشه در میان مردم، نردبان کمال و ترقی برای رهایی از ظلمت جهل و شرک وجود داشته باشد، تا علماً و عملاً به استغاثه آنان پاسخ داده شود.

مبانی این برهان، مانند سایر براهین مورد بحث در این کتاب، از قرآن الهام گرفته شده است؛ بر این اساس که:

خداوند در آیات مختلف خود، به ابعاد گوناگون فلاح و رستگاری حقیقی انسان اشاره می نماید و سپس راه دستیابی به آن را منحصر در استمداد از هادیان الهی علیهم السلام بیان می کند. از آنجا که آیات قرآن سراسر تبیان سنن الهی در نظام آفرینش است، روشن می شود که هرچند انسان می تواند با ابزار عقل، مراتبی از رستگاری خود را تشخیص دهد، اما عقل توانایی تأمین همه سعادت او در دنیا و آخرت را ندارد. از این رو، همه انسان ها ناگزیر از توسل به هادیان الهی علیهم السلام برای رسیدن به رستگاری حقیقی و بهره گیری از افاضات ایشان هستند.

در این برهان، ابتدا به جلوه های مختلف فلاح انسانی در قرآن پرداخته شده و سپس، ضرورت وجود دائمی هادیان الهی علیهم السلام و انحصار هدایت در آنان برای رسیدن به چنین رستگاری اثبات شده است.

در مرحله بعد، از منظرهای گوناگون عقلی به مسئله فقر و نیاز انسان در تکوین

۱- این موضوع در برهان لطف (براهین اول و دوم این کتاب) بیان گردیده است.

۲- برای نمونه، کافی است به گوشه هایی از دعای ماه رجب توجه کنیم: «...يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحْتَنَانًا مِنْهُ وَرَحْمَةً.» (الإقبال بالأعمال الحسنة ط. دارالكتب الإسلامية، ۱۴۰۹ هـ.ق)، ج ۳، ص ۲۱۱، فصل ۲۳: فيما نذكره من الدعوات في أول يوم من رجب وفي كل يوم منه

و تشریح پرداخته شده و سپس در قالبی نقلی، مسئله تعبد و دعا و نیایش در متون دینی بررسی گردیده است، تا عمق نیازمندی انسان در درگاه الهی معلوم شود. در نهایت، ضرورت وجود مقام ولایت و امامت، برای پاسخگویی به فقر و نیاز انسان در سیر کمالی تا عالی‌ترین مراتب غنای انسانی ثابت شده و در نتیجه، جایگاه امام در تکامل انسان و جامعه انسانی تبیین شده است. صورت برهانی قیاس، با ترتیب دو قیاس اقترانی ارائه شده است. در قیاس اول، نیازمندی انسان‌ها به آگاهی از عالم غیب برای رسیدن به فلاح ثابت شده و در قیاس دوم، ضرورت وجود دائمی و انحصاری هادیان الهی در تحقق این مهم تبیین گردیده است.

شکل منطقی قیاس اول به این ترتیب است:

اولاً، انسان فطرتاً کمال جو است (صغری)؛

ثانیاً، کمال جویی انسان مستلزم آگاهی از عوالم غیب است (کبری)؛

نتیجه آنکه: انسان ذاتاً نیازمند آگاهی از عوالم غیب است.

قیاس دوم را با نتیجه قیاس اول تشکیل می‌دهیم؛ به این ترتیب که:

اولاً، انسان ذاتاً نیازمند آگاهی از عوالم غیب است (صغری)؛

ثانیاً، آگاهی از عوالم غیب، انحصاراً مستلزم وجود هادیان معصوم الهی است

(کبری)؛

نتیجه آنکه: انسان ذاتاً نیازمند هدایت انحصاری هادیان معصوم الهی است.



این برهان عقلی، برگرفته از آیاتی است که خداوند در قرآن پیرامون فلاح و رستگاری انسان و راه و رسم نیل به آن در سایه هدایت الهی بیان می‌فرماید. بدین ترتیب که: اگر میل به کمال و شکوفایی استعداد های ذاتی هر موجودی، درسرشت او نهادینه شده و همه آفریدگان، ذاتاً میل به کمال خود را دارند، پس به طریق اولی، انسان، که اشرف خلایق است و ساختار خلقت او در احسن تقویم قرار داده شده، بیشترین تقاضا را در نیل به کمال فطری خود از خداوند درخواست می‌نماید.

مبنای اصلی در این برهان، اولاً اثبات نیاز ذاتی مخلوقات و فقر موجودات در همه ابعاد ذاتی، وصفی و فعلی به خداوند متعال است و ثانیاً، ضرورت پاسخگویی به احتیاجات انسان از سوی خداوند، توسط هادیان الهی علیهم‌السلام است. در این برهان، پس از تبیین عقلی موضوع بر مبنای آیات قرآن، با بیان های مختلف کلامی، فلسفی و عرفانی نیز در این خصوص استدلال شده است.

(بیان اول: سیر عقلی برهان در قرآن)

فصل اول

در برهان‌های دیگر بیان شد که رحمت عام الهی (رحمت رحمانیه پروردگار) پاسخگوی نیازهای ذاتی موجودات است و در نتیجه، همه خلایق تحت هدایت تکوینی پروردگار، تسبیح‌گویان به سوی کمال خود در حرکت هستند.^۱ در این میان، تنها انسان است که به دلیل قوه عقل و اختیاری که دارد، از دو جهت بهره‌مند از رحمت الهی است. در امور مادی، او مانند سایر مخلوقات، با زبان تکوین به درگاه خالق خود ابراز فقر و نیاز مادی می‌نماید و خداوند نیز کمال مادی او را از مرحله نطفگی تا کهنسالی، با هدایت تکوینی و عام خود پاسخ می‌دهد.^۲ در این جهت، تفاوتی بین مؤمن و کافر نیست و همه میهمان خوان کرم رحمت رحمانیه پروردگار هستند.^۳

اما از آنجا که حقیقت انسانی با فطرت توحیدی او رقم می‌خورد، که در فرهنگ قرآن، به عقل الهی و مقام خلافت‌اللّهی تعبیر شده است، بنابراین، فلاح و کمال حقیقی انسان، رسیدن به چنین مقامی است. بنا بر آنکه همه انسان‌ها ذاتاً طالب کمالات فطری خود هستند، آن‌ها دائماً از درگاه الهی طلب رستگاری

۱- آیاتی از قبیل «قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَىٰ ﴿۵۱﴾ قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ رَتِّبْنَا هَدَىٰ ﴿طه، ۴۹ تا ۵۰﴾ و یا «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَىٰ ﴿۱﴾ الَّذِي خَلَقَ فَسُوَّىٰ ﴿۲﴾ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ ﴿الأعلى، ۱ تا ۳﴾ اشاره به هدایت عام دارد. در نتیجه، همه جنبندگان بر صراط مستقیم، تابع پروردگار به سوی کمال خود در حرکتند: «إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿هود، ۵۶﴾»

۲- «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نُرَابٍ نُّرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُحَرِّجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشْدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ مِنْ قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿الغافر، ۶۷﴾»

۳- آیات متعدد قرآن که اشاره به نعم مادی الهی بر انسان‌ها دارد، شواهدی بر چنین رحمت الهی است؛ مانند آیات اول سوره‌های نازعات و عبس که بعد از برشمردن برخی نعم مادی در عالم دنیا، می‌فرماید: «مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَعْمَارِكُمْ ﴿النازعات، ۳۳﴾»، در این جهت تفاوتی میان انسان و حیوان در هدایت به کمال نیست.

معنوی خود را می نمایند. خداوند در قرآن کریم، ضمن تأیید چنین درخواستی، راه و رسم «فلاح» انسان ها را با بیان های گوناگون ذکر می فرماید. هرچند گستره این بحث به حدی است که ممکن است سایر براهین را تحت الشعاع قرار دهد و خواننده محترم در مواردی احساس هم پوشی نسبت به سایر براهین نماید، ولی سعی بر آن شده که در همه موارد، جهت گیری بحث، که همانا مسئله فقر و نیاز انسانی در رابطه با ضرورت وجود امام برای غنا بخشیدن به زندگی و هویت انسانی است، محور همه مباحث باشد.

• بحث اول - مفاهیم قرآنی «غیب» و «فلاح» •

بیان برهانی این استدلال، با استفاده از تحلیل مسئله ایمان به غیب و نیز فلاح حقیقی انسان، تبیین شده است. در ابتدا، مفاهیم مذکور، به عنوان مقدمه مشترک برای بیان های مختلف استدلال، مورد بررسی قرار می گیرد.

❁ گفتار اول - عالم غیب

«غیب» در مقابل «شهادت»، به معنای پنهان شدن است؛ چنان که شهادت نیز به معنای حضور امری در نزد امر دیگر است^۱. با توجه به آنکه شهادت، نسبی است، غیب نیز نسبت به اشخاص مختلف متفاوت است؛ زیرا شهادت، گاه به معنای حضور امری مادی در مکان برای دیگری است و غیب مقابل آن است؛ مانند بیان حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَام درباره هدهد:

﴿وَتَقَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ﴾^۲

و یا به معنی عدم حضور علمی امری مادی در قوه خیال برای دیگری است؛ مانند:

﴿وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ﴾^۳

۱ - مقایس اللغة (ط. مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ه.ق)، ج ۴، ص ۴۰۳.

۲ - النمل، ۲۰ تا ۲۷

۳ - الکهف، ۲۲

همچنین در مراتب عوالم مجرده، که هر مرتبه عالی احاطه بر مادون دارد، مراتب پایین نمی‌توانند همه مافوق را درک کنند و در نتیجه، آن مراتب برای ایشان غیب محسوب می‌شود؛ مانند:

﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ﴿٦٦﴾ إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ...﴾^۱

البته آیات قرآن، گاه اشاره به مطلق غیب دارد؛ که جز خداوند، برای همه خلایق پنهان است؛ مانند:

﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ﴾^۲

بنابر آنچه بیان شد، مشخص می‌گردد که معنای «غیب» در بیان قرآن، به تناسب مُدرکین، متفاوت است. برخی از امور از همه مخلوقات پنهان هستند و چنانچه خداوند بخواهد، به تناسب استعداد و ظرفیت اشخاص، مقداری از آن را برایشان آشکار می‌نماید. چنان‌که در آیه الکرسی می‌فرماید:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ... وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ﴾^۳

❁ گفتار دوم - مفهوم «فلاح انسان» در قرآن

مسلم آن است که همه انسان‌ها طالب خوشبختی، سعادت و فلاح هستند؛ اما معیار سعادت و فلاح بین آن‌ها یکسان نیست. برای روشن شدن موضوع، لازم است که مفهوم «فلاح» از لحاظ لغوی و اصطلاح قرآنی تبیین گردد.

• بنداؤل - فلاح در لغت

اصل در ریشه فلاح، به دو معنای شکافتن و دیگری، سعادت‌مندی و بقاء همراه با خوشی و رضایت‌مندی است. به همین دلیل است که بزرگ، «فلاح» نامیده شده است؛ زیرا برای کاشتن دانه، زمین را شخم می‌زند و رضایت‌مندان به منتظر به

۱ - الجن، ۲۶ و ۲۷.

۲ - الأنعام، ۵۹.

۳ - البقرة، ۲۵۵.

بارنشستن محصول تلاش خود است^۱. این لغت، هنگامی که در معنای سعادت معنوی انسان به کار می رود، به معنای شکافتن حجاب های عالم ماده و عبور از موانع نفس اماره و طی طریق به سوی حیات طیبه انسانی است^۲.

• بند دوم - فلاح در اصطلاح قرآنی

در جهان بینی قرآنی، نگاه به انسان، منحصر در حیات مادی نیست. او موجودی ذومراتب است که تنها مرتبه حیات مادی اش در عالم دنیا می باشد و حیات حقیقی او در عوالم بالاتر شکل می گیرد. نسبت آن عوالم به عالم دنیا، نسبت باطن به ظاهر و روح به جسد است. در نتیجه، سعادت حقیقی انسان در جهان بینی قرآنی، رستگاری است که دنیا و آخرت او را تأمین نماید.

بنابراین، فلاح در قرآن به معنای رستگاری در عالم آخرت و بقای دائمی با طیب عیش اخروی است. با توجه به آنچه پیرامون مراتب عالم و حقیقت انسان در سایر برهان ها اشاره شد، می توان معنای جامعی را برای فلاح انسانی بین این دو معنا بیان کرد؛ به این ترتیب که: اگر اصل در معنای فلاح، شکافتن موانع و رسیدن به باطن شیء باشد، در مورد انسان، فلاح یعنی شکافتن موانع حجاب های عالم دنیا و برداشتن توجه از لذات دنیوی و اهتمام به فطرت انسانی و تحصیل لذت های اخروی و معنوی^۳؛ چنان که خداوند برجسته ترین صفات انسان های مُفْلِح را، رجوع و توبه و انابه دائمی به خداوند و یقین به آخرت و تزکیه نفس از تعلقات دنیوی و تقوا و عبور از تنگ نظری دنیا بینی به بلند نظری آخرت نگری و توجه به حیات دائمی و حقیقی انسان بیان می دارد.

۱- مقایس اللغه (ط. مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴هـ.ق)، ج ۴، ص ۴۵۰.

۲- مفردات ألفاظ القرآن (ط. دار الفلم - الدار النمامیه، ۱۴۱۲هـ.ق)، ص ۶۴۴.

۳- بیان مرحوم علامه طباطبایی در المیزان اشاره به این معنا دارد «إن الفلاح هو السعادة سمیت به لأن فیها الظفر و إدراك البغية بشق الموانع الحائلة دون المطلوب. و هذا معنى جامع ينطبق على موارد الاستعمال كقوله: «فَدَأْفَلِحُ الْمُؤْمِنُونَ» (المؤمنون، ۱)، و قوله: «فَدَأْفَلِحُ مَنْ رَزَّاهَا» (الشمس، ۹)، و قوله: «إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ» (المؤمنون، ۱۱۷) إلى غير ذلك من الموارد. (الميزان في تفسير القرآن ط.)

مؤسسة الأعلمی للطبوعات، ۱۳۹۰هـ.ق)، ج ۷، ص ۲۶.